

سرزمین خورشید



■ کارگردان:
احمد رضا درویش
■ تهیه‌کننده:
بنیاد سینمایی فارابی
■ بازیگران:
خسرو شکیبایی، گلچهره
سجادی، سعید پورصمیمی
■ سال ساخت: ۱۳۷۵

با شروع جنگ، بیمارستانی در آبادان به محاصره دشمن درمی‌آید و از هوا و زمین مورد هجوم قرار می‌گیرد. محمد جهان‌آرا، فرمانده جوان سپاه خرمشهر، پیشنهاد می‌کند مجروحان و پزشکان با یک آمبولانس و لندروور، به دنبال جیب به غنیمت گرفته شده که در آن رزمندگان راه را باز می‌کنند، از بیمارستان خارج شوند. در شهر، نیروهای عراقی که در حال تسخیر شهر هستند، مقابل آنها ظاهر می‌شوند و...

دوئل



■ کارگردان:
احمد رضا درویش
■ تهیه‌کننده:
تقی علیقلی‌زاده
■ بازیگران:
سعید راد
پژمان بازغی، پریش نظر
کامبیز دیرباز
■ سال ساخت: ۱۳۸۲

داستان فیلم حول یک گاوصندوق می‌چرخد. در بحبوحه جنگ عده‌ای تلاش می‌کنند از خروج یک گاوصندوق از کشور جلوگیری کنند. نقش اول فیلم، زینال، در این بین به حسن‌نیت آن‌ها شک کرده و سعی می‌کند گاوصندوق را از چنگ آن‌ها در بیاورد. گاوصندوق در اوند غرق می‌شود و زینال اسیر می‌شود. داستان فیلم ۲۰ سال بعد و پس از آزادی زینال ادامه می‌یابد و در حین درگیری برای تصاحب گاوصندوق حقایقی کهنه را آشکار می‌شود.

کودک و فرشته



■ کارگردان:
مسعود نقاش‌زاده
■ تهیه‌کننده:
حسن کلامی
■ نویسنده:
محمد رضا گوهری
■ بازیگران:
افشین هاشمی،
مونا احمدی
■ سال ساخت: ۱۳۸۷

فیلم روایتی است از مقاومت مردم خرمشهر در روزهای اول جنگ ایران و عراق، که برای اولین بار در بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نمایش داده شد و برنده ۷ جایزه از مراسم تجلی اراده ملی بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر شد. همچنین برنده ۵ جایزه از بیست و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، از جمله بهترین فیلم بلند آسیایی و بهترین فیلم ایرانی شد.

به پایان می‌رسد. «توفیق اجباری» فیلم بعدی او که فضایی متفاوت با «روز سوم» دارد، پر فروش شد، اما به چهار فیلم بعدی کارنامه لطیفی، نه در جشنواره فیلم فجر و نه در اکران عمومی توجه نشد. کارنامه سینمایی لطیفی با «روز سوم» بسته شد.

در تلویزیون، لطیفی چند سریال پر بیننده و موفق در کارنامه دارد که نمی‌توان از کنار آنها به سادگی گذشت. «همسایه‌ها» که اواخر دهه هفتاد در شبکه سه ساخته شد، مجموعه‌ای اپیزودیک و دیدنی متناسب با شرایط روز بود. تیم بازیگران این سریال (علی نصیریان، گوهر خیراندیش، محمدرضا شریفی‌نیا، امین حیایی و عاطفه رضوی) یکی از مهمترین دلایل جذابیت سریالی بود که مسائل جامعه‌ای در حال گذار (حقوق زنان، مهاجرت، عشق و...) را به تصویر می‌کشید. «سفر سبز» با بازی پارسا پیروفر، سریالی پرستاره، با قصه‌ای آشنا اما خوب نوشته شده بود. سریالی که به احیای مجدد امین تارخ انجامید و نشان داد لطیفی علاوه بر مهارت در کار با بازیگر، در روایت قصه‌هایی با مضامین دینی و ماورایی موفق است. «سفر سبز» بارها روی آنتن رفته و هنوز تماشایی است. «وفا» می‌توانست به شکستی بزرگ در کارنامه لطیفی تبدیل شود، چند قسمت ابتدایی سریال را فریدون جیرانی کارگردانی کرد و به دلایلی از پروژه کنار رفت و «وفا» به لطیفی رسید. اما قصه پرتعلیق و فضای عاشقانه سریال برای بینندگان جذاب بود. «وفا» به محبوبیت فرهاد قائمیان در نقش یک بدمن جذاب انجامید. پوریا پورسرخ با این سریال به شهرت رسید و «وفا» به یکی از مهمترین سریال‌ها با مضمون مقاومت تبدیل شد. «صاحب‌دلان» نقطه اوجی بود که لطیفی باید به آن می‌رسید. فیلمنامه درجه یک علیرضا طالب‌زاده در کنار درخشش حسین محبوب و بازی خوب باران کوثری، این سریال را به موفقیتی دیگر در کارنامه این کارگردان تبدیل کرد. انتظارها با «صاحب‌دلان» از لطیفی بالا رفت، «روز سوم» به این انتظارها پاسخ نداد اما تماشاگران آثارش را برای دیدن تجربه‌های بعدی او، مشتاق کرد؛ اشتیاقی که به نتیجه درخور نرسید.

وطن، عشق و آزادی

«روز سوم» در ستایش وطن، مردم و آزادی است. فیلمی که بیش از هر چیز تصویری واقعی از آدم‌هایی ارائه می‌دهد که برای قرار گرفتن در موقعیت جنگی تربیت نشده‌اند. شخصیت‌های فیلم فرمانده و نظامی نیستند. شهروندانی هستند که جنگ، چون رویدادی غیرقابل پیش‌بینی بر آنها نازل شده و روند زندگی‌شان را مختل کرده است. لطیفی در این فیلم، جنگ را در شهر به تصویر می‌کشد. میان زنان و مردانی که ایستادگی می‌کنند تا شهر (خانه-وطن) سقوط نکند. یکی از رزمندگان، مالک (مالک سراج) نوزادی را در بحبوحه جنگ و درگیری در آغوش گرفته و مراقبت می‌کند. زنان و نوجوانان حضوری به اندازه مردان دارند و تماشاگر، ناظر درگیری‌ها در کوچه و خیابان‌هایی است که پیشتر، صحنه زندگی بوده است. «روز سوم» یادآور خاطرات یک نسل است، اشاره‌ای به یکی از مهمترین نقاط عطف تاریخ سال‌های دفاع مقدس. یک جشن ملی و روزی ماندگار در قلب هر ایرانی. سوم خرداد و آزادسازی خرمشهر، در این روزگار آشفته که تجزیه ایران و نابودی وحدت ملی، رویای بسیاری از دشمنان است، اهمیتی فراتر از یک یادبود ملی یافته است. «روز سوم» ادای دین به زنان و مردانی است که خون پاکشان، آزادی وطن را به ارمغان آورد، قهرمانانی که شاید هیچ کوچه و خیابانی به نام‌شان نباشد یا در تقویم یادی از آنها نشده باشد، اما وقتی از خرمشهر و سال‌های دفاع یاد می‌کنیم، به یادشان خواهیم آورد. شعله آن عشق و ایثار، آن همدلی و رشادت را هرگز خاموشی نیست.

تا قلب دختری را که بین‌شان فاصله افتاده تصاحب کند، تلاش او برای زنده به دست آوردن سمیره به همین دلیل است. او تا زمانی که سمیره تنها مانده و جز امیر، پناهی ندارد در تعقیب اوست و دست آخر، به وسیله سمیره از پا درمی‌آید. سکانس مرگ او در آب، با فیلمبرداری خوب ابراهیم غفوری از فصل‌های تاثیرگذار فیلم است. فواد، بهت‌زده به سمیره نگاه می‌کند که دست به اسلحه برده تا او را از پای درآورد. سمیره شلیک می‌کند و فواد زیر آب می‌رود و آرام می‌گیرد. سمیره از او فاصله می‌گیرد و در رود پیش می‌رود. یکی از امتیازهای بازی بهداد در این نقش، استفاده خوب از زبان عربی است. در فصل‌هایی که حامد بهداد مقابل دوربین است، به ویژه در فصل‌های قبل از جنگ، «روز سوم» دیدنی‌تر است.

در حالی که بسیاری گمان می‌کردند سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد جشنواره به حامد بهداد تعلق خواهد گرفت، افشین هاشمی برای بازی در «پابرهنه در بهشت» (بهرام توکلی) سیمرغ را دریافت کرد. هیچ کدام از نامزدهای آن دوره، درخشش بهداد را نداشتند، اما داوران ترجیح دادند این درخشش را نبینند.

روزهای اوج محمدحسین لطیفی

محمدحسین لطیفی اواسط دهه هفتاد و با کارگردانی فیلم پر فروش «سرعت» به شهرت رسید. «سرعت» اگر چه با نگاه به درام‌های مسابقه‌ای هالیوود ساخته شده بود، اما مضامینی را ترویج می‌کرد که در آن سال‌های پس از پایان جنگ، معنا، کارکرد و اهمیت داشتند. جامعه، جنگی هشت‌ساله را به پایان برده و روزهای سازندگی آغاز شده بود. «سرعت» داستان قهرمانانی بود که از جبهه به شهر برگشته بودند و در میدانی تازه باید به پیروزی می‌رسیدند. پیش از «روز سوم» لطیفی در تلویزیون و سینما پرکار بود. او متأثر از فضای دوم خرداد و تغییر فضای سینما «عینک دودی» را کارگردانی کرد که در گیشه موفق بود. از «دختر ایرونی» با بازی امین حیایی و هدیه تهرانی هم استقبال شد و جایگاه لطیفی به عنوان فیلمسازي که سلیقه مخاطب را می‌شناسد، تثبیت شد. لطیفی در «خوابگاه دختران» سعی کرد فضایی متفاوت را تجربه کند، اما شکست خورد. او با چنین کوله‌باری به «روز سوم» رسید. فیلمی که به نقطه عطف کارنامه سازنده‌اش تبدیل شد. لطیفی در «روز سوم» تلاش کرد فیلم جنگی جذاب بسازد، عشق پنهان شده در دل جنگ، عامل پیشبرده قصه است. صحنه‌های شهر، گفتگوها و روابط رزمندگان با هم و موقعیت‌ها، طنزی تلطیف شده دارد و فضای فیلم با وجود پایان تراژیک و تلخ، سیاه نیست. «روز سوم» وامدار تجربه‌های او در فیلمسازی و سریال‌سازی و علاقه‌اش برای روایت قصه‌هایی است که تماشاگر با آن ارتباط برقرار می‌کند، اما این امتیازها و تلاش، در همان نقطه



ایده اصلی فیلم بسیار جذاب است، نکته‌ای که این جذابیت را مضاعف می‌کند، واقعی بودن این ماجرای نفسگیر است. پیش از لطیفی، مستند «روز سوم» به کارگردانی حمید زرگرزاد با همین موضوع ساخته شده و در جشنواره «سینماحقیقت» برنده جایزه کارگردانی شده بود. در ماجرای واقعی، شخصیت‌های اصلی نجات می‌یابند اما در فیلم لطیفی، همه رزمندگان به جز یک نفر شهید می‌شوند

